

پیشگفتار

فرهنگ و تمدن مورد بحث ما در سرزمینی پا به عرصه وجود نهاد و شکوفا شد که امروزه، آن را ترکیه می‌نامیم. در دورانهای مختلف از این سرزمین به نامهای آناتولی، آنادولو و آسیای صغیر یاد شده است؛ کشوری که در خلال تاریخ، همواره دست خوش تغییر و تحولات خوب و بد بوده و این دگرگونیها مرزهای این سرزمین را پیوسته تغییر داده است. آنچه را که امروز ترکیه می‌نامیم، در حقیقت فلات مرتفعی است به وسعت ۷۴۳ هزار کیلومتر مربع که از جنوب به دریای مدیترانه، از مغرب به دریای اژه و مرمره و از شمال به دریای سیاه و فقط از طریق مرزهای شرقی با خشکی ارتباط پیدا می‌کند. ارتفاعات فلات آناتولی از شرق به غرب کاهش می‌یابد، اما در مرکز این فلات دشت همواری وجود دارد که در میان کوههای بلندی به نام توروس (Toros) محصور شده است. کوههای توروس روی هم‌رفته جنوب فلات را پوشانیده است و ادامه آن به نام کوههای آنتی‌توروس به سوی شمال شرقی کشیده شده و در شمال به موازات دریای سیاه، با پیوستن به کوههای آق‌داغ تا سلسله کوههای آنتی‌توروس، ادامه می‌یابد. پیوندگاه این دو فلات بسیار مرتفع، ارمنستان است. در مغرب، کوههای منفرد و کوتاه‌تری تا ساحل مدیترانه امتداد دارد که خلیجهای بسیاری را تشکیل می‌دهند.

از کوههای شمالی آق‌داغ، دو رود قزل‌ایرماق و یشیل‌ایرماق سرچشمه می‌گیرند و به دریای سیاه می‌ریزند. از سلسله کوههای توروس و آنتی‌توروس رودخانه‌های سیحان و جیحان سرچشمه می‌گیرند و با پیچ‌وخم زیادی به دریای مدیترانه می‌پیوندند.

در چنین شرایط طبیعی‌ای، فرهنگها و تمدنهای زیادی در این سرزمین شکل

گرفته‌اند که در میان آنها فرهنگ هاتی و تمدن هی تیت جای ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند؛ اولی در پیش از سپیده‌دم تاریخ و دومی در دوران تاریخی، باشکوه‌ترین تمدن آسیای صغیر را تشکیل می‌دهند. کهن‌ترین نامی که درخصوص شبه‌جزیره آسیای صغیر امروزه با آن آشنایی داریم، «کشور هاتی» (Hatti) است که در میان اسناد تاریخی سلسلهٔ اکد (۲۱۵۰-۲۳۵۰ ق.م) به کار برده شده است و حتی کاربرد این نام، در سالنامهٔ آشوری نیز تا ۶۳۰ ق.م ادامه می‌یابد (Akurgal, 1998, p. 15). بنابراین، این سرزمین حداقل ۱۵۰۰ سال به نام کشور هاتی اداره می‌شده و هی تیتها که از سال ۲۲۰۰ ق.م مهاجرت به این سرزمین را آغاز کردند پیوسته از کشور هاتی سخن به میان آورده‌اند.

محوطه‌های باستانی از جمله آلاجاهویوک (Alaca Hüyük)، خروس‌تپه، ماحماتلار (Mhmatlar) (محمودلر)، آهلاتلی‌بَلْ (Ahlalİbel)، اتی‌یوکوشو (Etiyokuşu)، عالیشار (علیشر) که داخل قوسی از رودخانه قزل‌ایرماق (Kızıl Irmak) واقع شده و آثار فرهنگی بسیار غنی و منحصر به فرد از آنها به دست آمده است، ویژگیهای هنر هاتی را کاملاً برای ما روشن می‌کند. علاوه بر منطقه مذکور، نفوذ و گسترش فرهنگ هاتی، در فلات مرکزی آسیای صغیر نیز بر اساس بررسیها و کاوشهای باستان‌شناسی کاملاً روشن شده است. در حقیقت فرهنگ دولت‌شهرهای هاتیها، یک فرهنگ پیش از تاریخ است؛ زیرا آنها در خلال زندگی خود در فلات مرکزی آسیای صغیر هنوز موفق به استفاده از خط نشده بودند. با وجود این، درباره زبانی که آنها صحبت می‌کردند، دینی که معتقد بودند و عرف و عادتشان، از طریق هی تیتها اطلاعات زیادی به دست آمده است. بنابراین در باستان‌شناسی پیش از تاریخ آسیای صغیر، فرهنگ هاتی با زیبایی و شکوه خود، جای ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. هی تیتهای هندواروپایی که وارث چنین تمدن باشکوهی بودند، در آغاز هزارهٔ دوم ق.م در فلات مرکزی آسیای صغیر و بخشی از سوریه شمالی ساکن شدند (نقشهٔ ۱) و بر اساس منابع مکتوب هی تیتها در خلال فرمانروایی خود، موفق به تشکیل دو امپراتوری بزرگ در آسیای صغیر شدند: (۱) پادشاهی هی تیت قدیم (۱۵۰۰-۱۶۸۰ ق.م)، (۲) پادشاهی هی تیت جدید (۱۲۰۰-۱۴۰۰ ق.م).

هی تیتها بعد از استقرار در آسیای صغیر، سرزمینی را که در آن زندگی می کردند هاتی نام نهادند و در کتاب *تورات* (سفر پیدایش) از هی تیتها به نام هیت (Hit) یاد شده است و حتی آشوریهها در خلال قرنهای هشتم و هفتم پیش از میلاد از آسیای صغیر که در حاکمیت اقوام فریژیها بود به نام کشور هاتی اشاره کرده‌اند. در زمان حضور تمدن هی تیت در آسیای صغیر، می توان به وجود سه زبان از شاخهٔ زبانهای هندواروپایی اشاره کرد که این زبانها عبارت بودند از: نسی، لوی (Luvi) و پالا. نسی زبانی بود که هی تیتها با آن صحبت می کردند و الواح مکشوفه از بوغازکوی به این زبان نوشته شده است. زبان لوی در جنوب آسیای صغیر از منطقهٔ لیکیا گرفته تا آدانا، یعنی در کشورهای کوچکی به نامهای آرزوا (Arzava) و کیزواتنا (Kizzuvatna) استفاده می شده است و زبان پالا در حوزه پافلاگونیا، یعنی در منطقه‌ای بین قزل ایرماق و ساکاریا (نقشه ۱ و ۲).

هی تیتها از خط میخی از آغاز دورهٔ امپراتوری کهن استفاده کرده‌اند و هزاران لوح با این خط از کاوشهای بوغازکوی پایتخت آنها کشف شده است. علاوه بر خط میخی، هی تیتها از خط هیرو گلیف، یعنی خط مقدس کنده یا خط تصویری نیز استفاده کرده‌اند. خط تصویری، که اختراعش را به قوم لوی نسبت می دهند (Akurgal, 1998, p. 52)، ابتدا در جنوب و فلات مرکزی کاربرد داشته و در زمان امپراتوری بزرگ هی تیتها تا غرب آسیای صغیر گسترش یافته است و بعد از فروپاشی شهر هاتوشا، نفوذ و گسترش این خط را می توان در جنوب و جنوب غربی آسیای صغیر و سوریه شمالی نیز مشاهده کرد. این خط از لحاظ شکل ظاهری قابل مقایسه با خط تصویری است که در جزیره کرت استفاده می شده است. قدیمی ترین مهری که با این خط نوشته شده از کاوشهای مرسین (Mersin) به دست آمده و روی آن نام ایسپوتانشو (۱۵۰۰-۱۵۲۵ ق م) آمده است (*Ibid*).

در کاوشهای سال ۱۹۵۷ در بوغازکوی لوحی به دو زبان کشف گردید و با خوانده شدن این لوح روشن شد که هاتوشیلی یکم نخستین فرمانروای دورهٔ پادشاهی کهن بوده که بین سالهای ۱۶۳۰-۱۶۶۰ ق م حکومت می کرده است. متنی

که از این پادشاه به جای مانده است لشکر کشیهای او را تا شهر حلب ثابت می‌کند. بعد از هاتوشیلی ده فرمانروای دیگر به ترتیب در دوره پادشاهی کهن به پادشاهی رسیدند که آخرین آنها هوزیای دوم (۱۴۶۰-۱۴۸۰ ق م) بود.

دوره پادشاهی بزرگ (جدید) که از سال ۱۴۶۰ ق م آغاز شده بود در سال ۱۱۹۰ ق م با تهاجمات اقوام دریایی به نام فریژیها (فریگها) از بین رفت. این دوره که با فرمانروایی توتالیای دوم (۱۴۴۰-۱۴۶۰ ق م) شروع شد، با بیش از ده فرمانروا، در زمان پادشاهی شوپیلولیئومای دوم (Suppiluliuma II) قدرت پانصدساله خود را با یورشهای بی‌امان فریژیها از طریق دریا و خشکی از دست داد و یک دوره تاریک چهارصدساله بر این سرزمین سایه افکند.

هنر هی تیتها در برخی از رشته‌ها، به موازات هنر مصر و بین‌النهرین (میان‌رودان)، از عظمت و شکوه ویژه‌ای برخوردار بود و امروزه با مشاهده مجموعه بناهای بوغاز کوی، مشهد هویوک و آلاجاهویوک می‌توان به اوج و عظمت این تمدن پی برد، تمدنی که از سیاست آنها نشئت گرفته است؛ زیرا هی تیتها تلاش بر این داشتند که سیاست جهانی خود را به صورت بناهای گول‌پیکر به نمایش بگذارند. به خاطر چنین دیدگاهی است که باشکوه‌ترین بخش تمدنی آنها را هنر تشکیل می‌دهد. در معماری آسیای صغیر از دیوارهای کیکلُوپ (Kyklop، دیو) که از تخته‌سنگهای نامنظم بسیار بزرگ تشکیل شده‌اند به صورت خشک‌چین برای بناهای گول‌پیکر استفاده شده است. ساخت‌وساز این نوع دیوارها به دوره پادشاهی قدیم بر می‌گردد و برج و باروی بوغاز کوی که با شیوه کیکلُوپ ساخته شده، در معماری دنیای باستان بی‌نظیر است. مشابه معماری بویوک‌قلعه در بوغاز کوی، نه تنها در میان بناهای دوران امپراتوری هی تیت، بلکه در معماری شرق باستان، تا به امروز دیده نشده است. مجموعه‌ای که با اتاقهای بایگانی (کتابخانه)، سالنهای ستون‌دار و معابدش در بلندای شهر بوغاز کوی ساخته شده مشرف بر منطقه است. در معماری هی تیت، عنصر ستون وجود ندارد و به جای آن در سالنهای چهارگوش استفاده شده است. از ویژگیهای معابد هی تیتها که بیشتر مسقف هستند، می‌توان به معبد بدون سقف یازیلی کایا (Yazılıkaya) در فضای باز اشاره کرد که احتمالاً

هی تیتها در دوره آغازین پادشاهی بزرگ همانند هلنیا مراسم مذهبی را در فضای باز به جا می آوردند. جالب توجه اینکه امروزه، در مجموعه بناهای دوران سلجوقی و امپراتوری عثمانی و توپ کاپی سارایی (Topkapı Sarayı) از لحاظ نقشه می توان ویژگیهای معماری هی تیت و هلنی را مشاهده کرد.

در کاوشهای آلاجاهویوک با یکی از مهم ترین معابد دوره امپراتوری بزرگ هی تیت روبه رو می شویم که دارای شکل رایج معماری هی تیتهاست و در دو سوی یکی از دروازه های مجموعه شهر آلاجاهویوک به دو اسفنکس (Sphinx) عظیم بر می خوریم که محافظت و نگهبانی شهر را بر عهده دارند. در دو سوی بخش پایینی دروازه اسفنکس که قدمت آن به دوره امپراتوری هی تیتها می رسد، صحنه های شکار، قربانی، حضور شاه و ملکه در مراسمی آیینی، تصاویر کاهنان، نمایشگران، نوازندگان، آکروبات بازها و نگاره ای از رب النوع خورشید آرینا (Arinna) با همراهانش عظمت و شکوه ویژه ای به این دروازه بخشیده اند (تصویر ۶۷).

کاوشهای باستان شناسی در مشهد هویوک یا تاپیگا (Tapigga)ی قدیم (نقشه ۱) وجود کاخی باشکوه و معبدی از زمان فرمانروایی توتالیای دوم (قرن ۱۵ ق م) را آشکار نمود. در این کاخ یک اتاق بایگانی پر از لوحهایی با خط میخی که متعلق به دوره پس از هاتوشا و تنها آرشیو از دوران هی تیت است، کشف شده است. مجموعه بناهای تاپیگا در قرن ۱۲ ق م مورد حمله اقوام کاشکا (فریژیها) واقع و کاملاً متروک شد. ولی این شهر در زمان فرمانروایی هخامنشیان در آسیای صغیر مورد استفاده قرار گرفت و آثار فرهنگی به دست آمده از دوران هخامنشی این نظریه را تأیید می کند (Özgül, 1982).

افزون بر هنر معماری، هی تیتها در هنر پیکرتراشی، نخستین مجسمه های یادمانی را از خود به جای گذاشته اند که اسفنکسهای بوغاز کوی و آلاجاهویوک در دو سوی دروازه ها، از زیباترین گونه های این هنر است. هر چند مجسمه های بلند قد انسانی، هنوز در کاوشها به دست نیامده است، منابع نوشتاری به وجود آنها اشاره می کنند. هنرمندان هی تیتی هر چند در آغاز کار خود از هنر شرق به ویژه بین النهرین وام گرفته اند ولی به تدریج در دوره پادشاهی با دیدگاه نو، شاهکارهایی با ویژگیهای

بومی خلق کرده‌اند و این بار، هنر هی تیت تا سرزمینهای سوریه و فلسطین نفوذ کرده است. در یادمانهای سنگی هی تیتها که بیشتر در سینه کوهها به نمایش درآمده‌اند، موضوعهای گوناگون مذهبی و صحنه‌های مختلف قدرت‌نمایی فرمانروایان به تصویر کشیده شده است که جالب‌ترین و زیباترین آنها را می‌توان در آلاجاهویوک (تصویر ۶۸) گاورکاله (Gavurkale) (تصویر ۷۸)، ایوریز (تصویر ۸۰) و امام کولو (Imamkulu) (تصویر ۸۳) مشاهده کرد و در این یادمانهای سنگی تظاهر قرص خورشید نمادی از قدرت پادشاهی است.

با وجود اینکه هی تیتها در هنر سفالگری در آغاز کار خود تحت تأثیر سفالینه‌های بومی قرار گرفته‌اند ولی به تدریج از این قیدوبند رها شده و در این رشته هنری نیز شاهکارهای جالب توجهی را از خود به جای گذاشته‌اند که از آن میان می‌توان به ریتونها و دیگر ظروف آیینی اشاره کرد. زیباترین گونه اینها از بوغاز کوی (تصویر ۱۸) بی تیک (تصویر ۸۲) ایناندیک (تصویر ۸۴) به دست آمده است. هنرمند با زبردستی تمام، یک صحنه عروسی را روی ظرف ایناندیک به نمایش در آورده است و این هنر امروزه هر بیننده‌ای را به شگفتی وامی‌دارد. همین شیوه را فلزگران هی تیتی در خلق ریتونهای نقره‌ای (تصویر ۸۵) و سفالین (تصویر ۱۱۵)، تبر مفرغی آیینی و پیکرکهای فلزی (طلایی، نقره‌ای، مفرغی) و عاجی خدایان به نمایش گذاشته‌اند که با مطالعه آنها، با ویژگی هنر فلزگری هی تیتها آشنا می‌شویم. مهر که در باستان‌شناسی از کوچک‌ترین عناصر فرهنگی به شمار می‌رود، در شناخت فرهنگهای کهن آسیای صغیر، به‌ویژه هی تیت، خصوصاً گونه‌های استوانه‌ای این مهرها، نقش بسیار مهم و حتی تعیین‌کننده داشته است و با کندوکاو روی اثر مهرها، از یک طرف با انواع نوشتار این دوران (میخی و تصویری) و چهره خدایان و فرمانروایان و نامهای آنها و از سوی دیگر با برخی از نمادها و صحنه‌های مذهبی آشنا شده، و مهم‌تر از همه، با توجه به نوشته روی بیشتر آنها، می‌توان صاحبانشان را شناسایی کرد. افزون بر این زمانی می‌توان از عرف و عادت و باورهای مذهبی و شیوه‌های تدفین ساکنان آسیای صغیر به‌ویژه هی تیتها سخن به میان آورد که مدارک و اسناد نوشتاری در دسترس باشد. خوشبختانه در این خصوص نیز مدارک

نوشتاری از یک طرف و سایر داده‌های باستان‌شناختی از سوی دیگر، در اختیار ما قرار گرفته است تا کنکاش لازم را دربارهٔ مسائل فرهنگی مذکور به انجام رسانیم. زبان هی‌تیتها از گروه زبانهای هندواروپایی است و از آغاز هزاره دوم قم که سرزمین آسیای صغیر را به اشغال خود در آوردند، با وجود اینکه به تدریج نفوذ عناصر زبانهای بومی در زبان آنها چشمگیر شد ولی آنها تلاش کردند در خلال حضور هشتصدساله خود در این شبه‌جزیره زبان خود را حفظ کنند. هزاران لوحی که از بایگانیهای بوغازکوی به دست آمده مبین این است که هی‌تیتها در حیات فرهنگی خود از دو نوع خط استفاده کرده‌اند، یکی خط میخی که احتمالاً آن را در بین‌النهرین از سلسله سوم اور (Ur) اقتباس کرده‌اند و دیگری خط هیروگلیف که این خط ریشه در فرهنگ ساکنان بومی آسیای صغیر دارد (Kinal, 1991, p. 173). سخن آخر اینکه با توجه به گسترهٔ زمانی باستان‌شناسی و هنر آسیای صغیر، نوشتار حاضر، بخشی از دوران تاریخی این سرزمین را در بر گرفته، امید است تمدنهای دیگر این شبه‌جزیره از قبیل: هی‌تیت نو، اورارتو، فریژی، لیدی و شاخصهای فرهنگی هخامشیان، در نوشتار بعدی، خدمت فرهنگ‌دوستان و دانشجویان رشته باستان‌شناسی تقدیم گردد. کتاب حاضر ممکن است از نظر صاحب‌نظران اهل فن خالی از ایراد و اشکال نباشد، به‌رحال یادآوری آنان موجب خرسندی و امتنان خاطر خواهد بود.

بهمن فیروزمندی شیره‌جینی

عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی

دانشگاه تهران